

ولادیمیر ایلیچ لنین

ن. کروپسکایا



انتشارات محسن
Mohsin Publications



ولادیمیر ایلیچ لنین

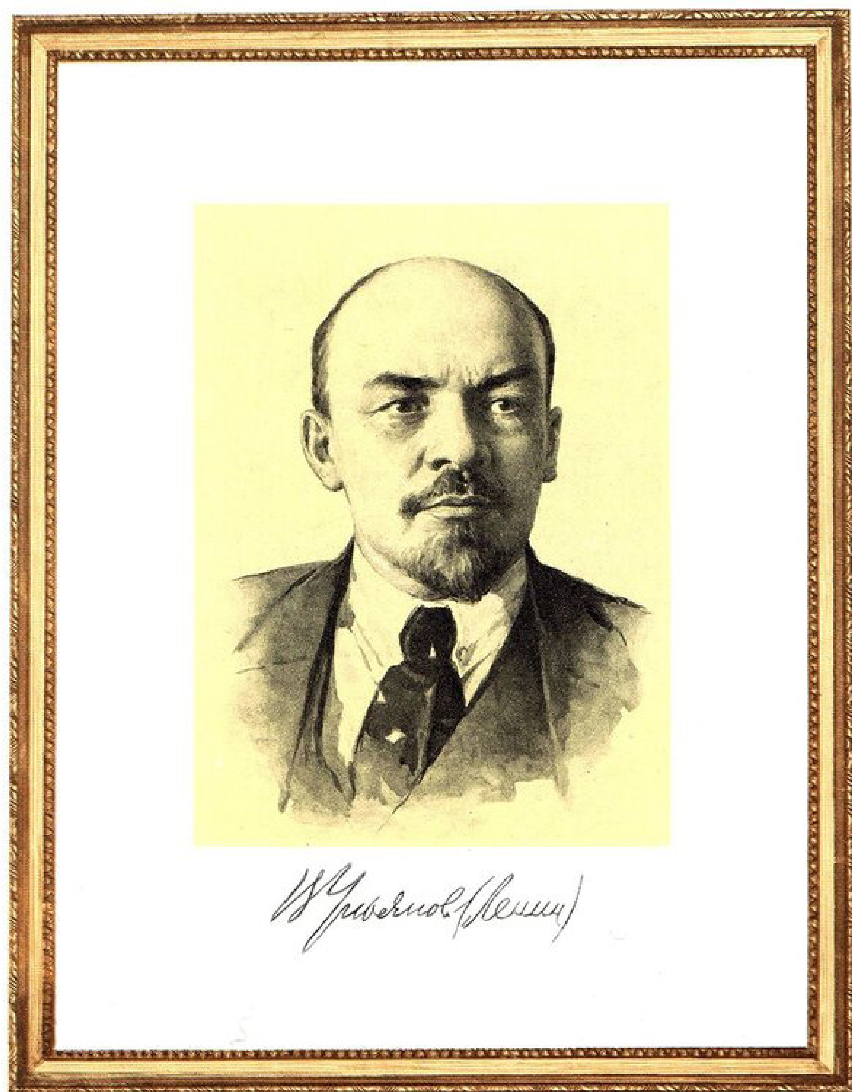
نویسنده: ن. کروپسکایا

نشر الکترونیک: انتشارات محسن

پست الکترونیک: mohsinpubs@gmail.com

وبلاگ: http://mohsinpubs.blogspot.com

تاریخ انتشار: میزان ۱۴۰۲/ سپتامبر ۲۰۲۳



ولادیمیر ایلیچ لنین



روی دیوار تصویر مردی نصب شده بود.

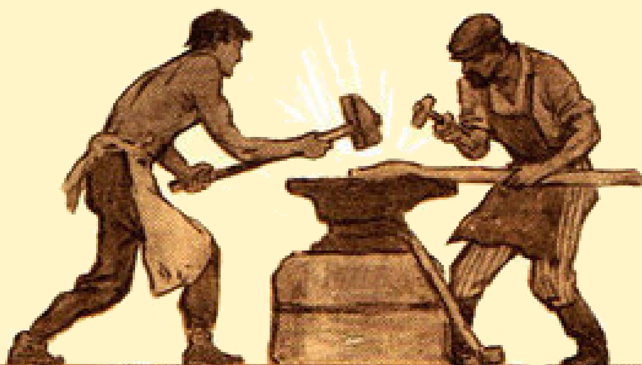
واسیای کوچک پرسید:

بابا، برام از او بگو.

می‌شناسیش؟

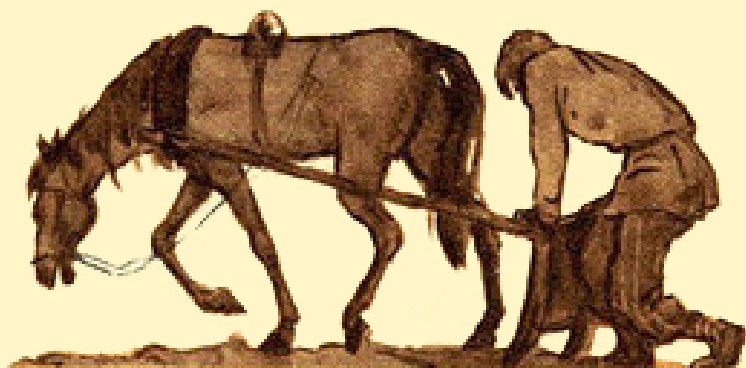
بلی، لنین است.

آفرین، رهبر محبوب ما، ولادیمیر -ایلیچ لنین.



پدر واسیا سرگذشتش را چنین آغاز کرد:

سال‌ها سال پیش، هنگامی که من جوان‌تر از حالا بودم، ما کارگرها زندگی خیلی بدی داشتیم. از صبح زود تا نصف شب، مثل سگ جان می‌کندیم ولی همیشه تنگدست بودیم. یعنی نمی‌توانستیم حتی شکم‌مان را سیر کنیم. در کارخانه‌ای که من کار می‌کردم کارگران زیادی بودند. اسم کارخانه‌دار دانیلوف بود. دانیلوف کار نمی‌کرد، دست به سیاه و سپید نمی‌زد، ولی نمی‌دانی چقدر ثروتمند بود!



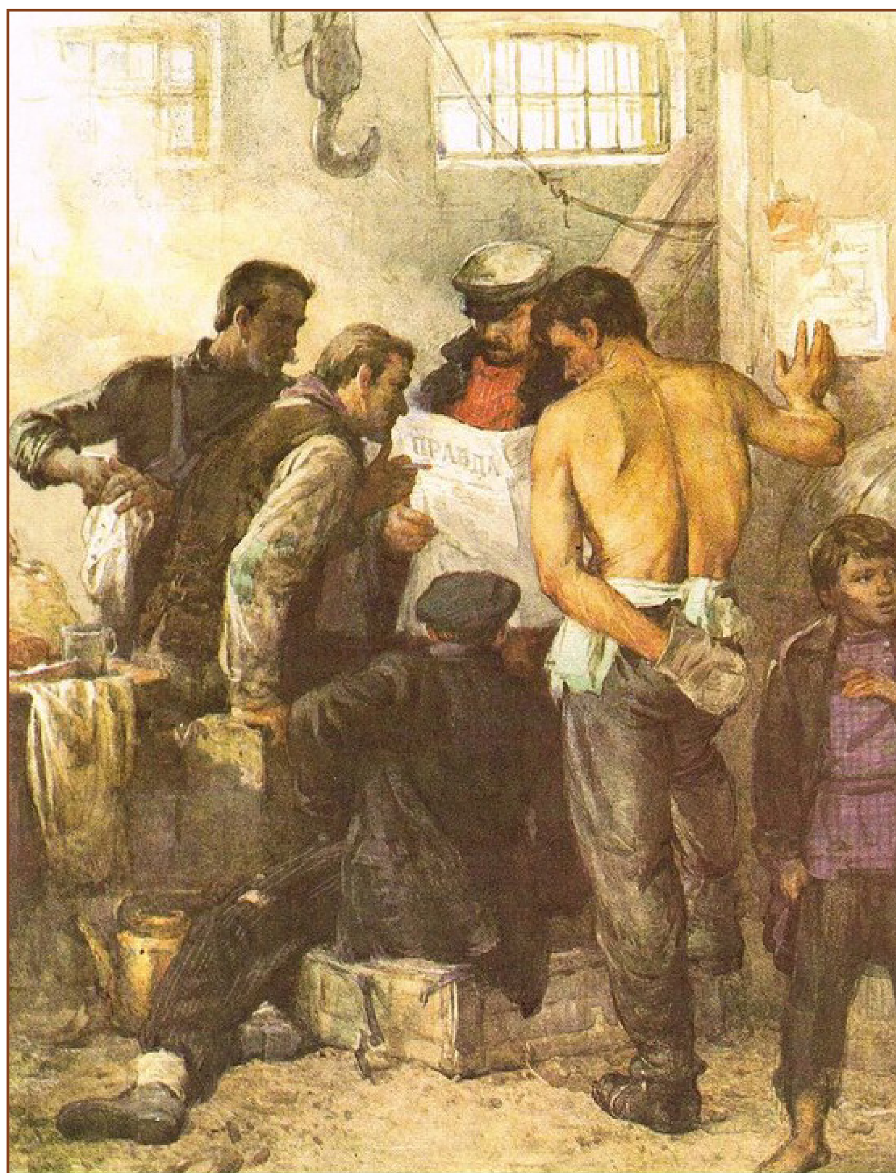
فکـر می کنـی این همـه ثـروت را از کجـا آورده بود؟ از کار مـا. او در برابر کار بسـیار مـا مزد خیلی ناچیزی مـی داد. آن قـدر کـم کـه دزدی او از نیـروی کار مـا مثـل روز روشـن بـود. به همیـن دلیـل از کار و زحمت مـا ثروت کلانـی بدسـت آورده بـود. کارخانه ملکیت او بـود، دسـتگاه‌ها و پول هم از او بـود، در حالی که ما جـز دسـت‌های خالی‌مان، چیـز دیگری نداشـتیم.

بـه همین دلیـل هم مجبـور بودیم برایـش کار کنیم. هر کارخانـه‌ای کـه می‌رفتـی همیـن آش و همیـن کاسـه بـود. نـه ایـن که فکر کنـی تنهـا در کارخانـه دانیلوف مـا بدبختی می کشـیدیم.



دهاتی‌ها هم در قریه‌ها زندگی سختی داشتند. هرچه بود ملکیت ارباب بود و دهقانان مثل ما چیزی نداشتند. آنها هم شبانه‌روز برای ارباب‌ها کار می کردند و خود شان فقیر و بی‌چیز بودند.

مالکین، یعنی زمینداران و سرمایه‌داران پشتیبان هم بودند. تمام آنها با ثروتمندترین و پرقدرت‌ترین مالک کشور یعنی شاه زدوبند داشتند. شاه ارباب و سرور همه آنها بود. و حکومت او طوری بود که کشور را تنها برای زمینداران و سرمایه‌داران بهشت کرده بود. در عوض دهقانان و کارگران چنان روزگار سختی را می گذراندند که کشور برای‌شان از جهنم هم سخت تر بود.


ПРАВДА



ولادیمیر دوست و رفیق کارگران بود. هدفش این بود که شیوه حکومت کشور را تغییر دهد. می‌خواست کاری کند که هر زحمتکش زندگی خوبی داشته باشد و سراسر عمرش، در همین راه مبارزه کرد.

ولادیمیر نخست تمام کسانی را که پشتیبان زحمتکشان بودند، یکجا کرد و پس از آن حزب ساخت.





حزب به این نتیجه رسید که بدون نبرد هیچ چیز به چنگ نمی‌آید. تمام کارگران و زحمتکشان سراسر کشور هم، بالاخره، به همین نتیجه رسیدند.

کارگران لنین را دوست داشتند ولی زمینداران و سرمایه‌داران دشمن او بودند. پلیس شاه او را دستگیر می‌کرد، به زندان می‌انداخت، به ناحیه یخبندان سیبری تبعیدش می‌کرد و می‌خواست تا آخر عمر او را در زندان نگهدارد. به همین علت لنین به خارج از روسیه مهاجرت کرد. از آنجا برای کارگران کتاب می‌نوشت که چه باید بکنند. پس از آن که کارگران قیام کردند به وطن بازگشت تا مبارزه آنها را رهبری کند.

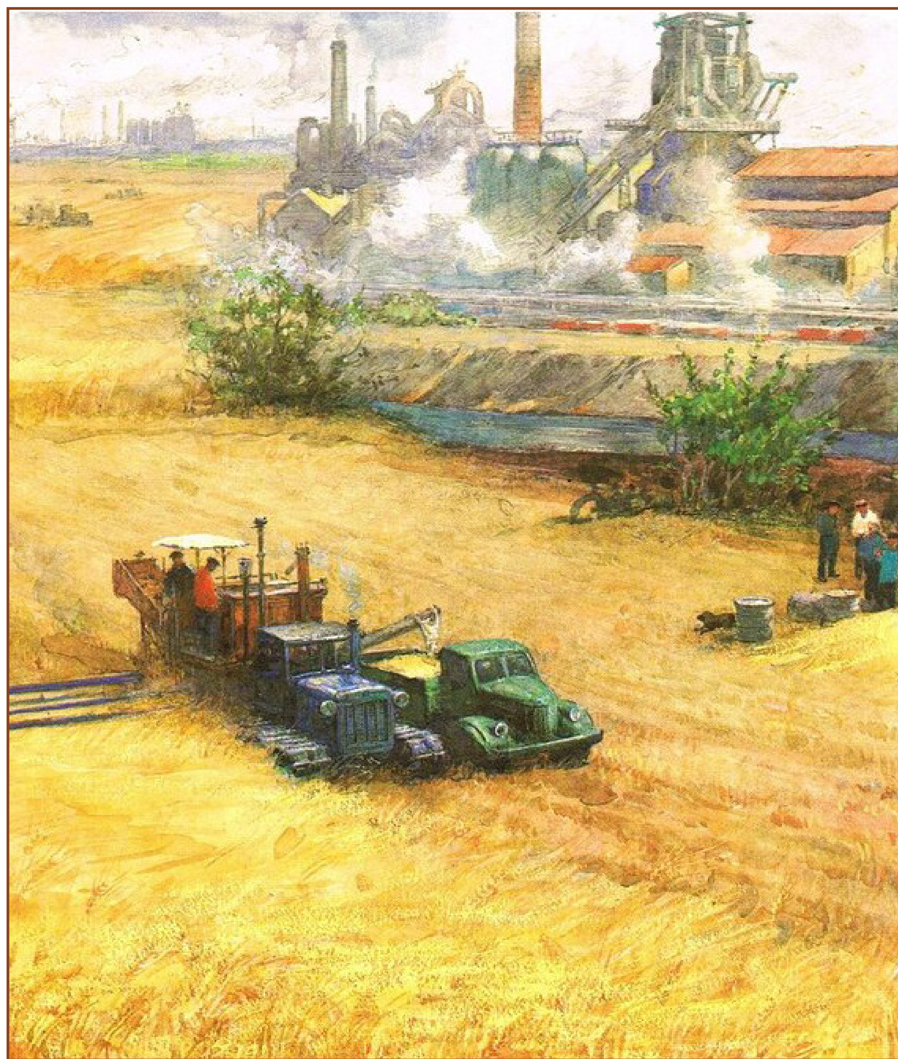




در فبـروری ۱۹۱۷ کارگـران و سـربازان رژیـم شـاه را سـرنگون ساختند. در ۷ نوامبر همین سـال زمینداران و سـرمایه‌داران را هـم از کشـور خود بیـرون کردند.

زمین‌هـا، کارخانه‌هـا و تمـام مـال و امـوال آنهـا را، که ناجوانمردانـه بـه چنـگ آورده بودنـد، ملـی کردنـد و حکومـت خاصـی بوجـود آوردنـد بنـام حکومـت کارگـری، که اولیـن حکومت کارگری در دنیا اسـت.

آن‌گاه دیگـر نـه شـاه و نـه زمینـداران، بلکـه خـود کارگـران و روسـتاییان حاکـم کشـور خـود بودنـد و تصمیـم می‌گرفتنـد که چه باید بکنند. بـه دور هم جمع می‌شـدند و بـه ایـن جمع شـدن «شـورا» می‌گفتنـد.





تمام جریان‌ها برای شان تازگی داشت. لنین و حزب او به اتفاق آنها در این راه سخت، به سوی یک زندگی تازه می‌رفتند و لنین در این ایام چه کارها که نکرد. سرانجام سلامتیش به خطر افتاد و در سال ۱۹۲۴ یعنی هفت‌سال پس از انقلاب، زندگی را بدرود گفت.

لنین که در گذشت همه ما سوگوار شدیم، ولی هیچگاه درس‌هایی را که به ما آموخت، از یاد نبردیم و نخواهیم برد. تاپای جان در راه آرمان‌های او می‌کوشیم. در سایه آموزش‌های او شیوه بهتر و نوینی از زندگی و کار بنا می‌کنیم.




انتشارات محسن
Mohsin Publications

